

نقد و بررسی کتاب

بررسی و نقد کتاب گویش اورمن [هورامان] (هورامان لهون): دستور زبان، متون و

واژه‌ها

دی. ان. مکنزی ۱۹۶۶

سید مهدی سجادی^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

هورامی یکی از زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی است که در بخش‌هایی از سه کشور ایران، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود. جمعیت گویشوران این زبان بیش از یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود. این زبان دارای گویش‌های متعددی از جمله تختی، لهونی، ژاوه‌رودی، پاه‌ای و غیره می‌باشد (سجادی، ۱۳۹۴: ۲۳، ۴۹ و ۵۰).

کتاب گویش اورمن که به بررسی و توصیف گویش هورامان لهون و مشخصاً گونه شهر نوسود از توابع شهرستان پاه در استان کرمانشاه می‌پردازد، توسط زبان‌شناس مشهور انگلیسی دیوید نیل مکنزی^۲ به رشته تحریر درآمده و در سال ۱۹۶۶ به زبان انگلیسی در لندن به چاپ رسیده است. هر چند مدت زیادی از تاریخ انتشار این اثر می‌گذرد، اما تاکنون به‌طور کامل مورد بررسی و نقد قرار نگرفته است. مقاله حاضر که با چنین هدفی به نگارش درآمده است، بدیع می‌نماید.

این اثر دارای ۱۴۰ صفحه، پیوستی یک صفحه‌ای و بخش‌هایی به شرح زیر است: مقدمه، واج‌شناسی، ساختواژه، نحو، متون و واژه‌ها.

نویسنده در مقدمه‌ای کوتاه اما مفید به پژوهش‌های پیشین در مورد زبان هورامی از جمله جی. دی مورگان^۳ (۱۹۰۴)، هدنک^۴ (۱۹۳۰) و ام. آرتور کریستنسن^۵ (۱۹۲۱)، جدایی زبان هورامی از زبان گُردی، شیوه گردآوری داده‌ها و موقعیت جغرافیایی هورامان پرداخته است.

m.sadjadi58@yahoo.com

۱- پست الکترونیکی:

2. David Neil Mackenzie
3. J. De Morgan
4. Hadank
5. M. Arthur Christensen

وی در سال ۱۹۵۷ در لندن با دانشجویی هورامی‌زبان به نام «تحسین» که در رشته اقتصاد تحصیل می‌کرده، آشنا شده است. این دانشجو در روستایی هورامی‌زبان در عراق متولد شده و پس از بازگشت خانواده‌اش به ایران در شهر پاوه (دارای گویش پاوه‌ای) سکونت داشته است و پس از آن برای تحصیل به لندن رفته است. تحسین فردی دوزبانه بوده و زبان دومش کردی شهر سلیمانیه در عراق است. در واقع تنها منبع داده‌ها و اطلاعات مکتوبی، آنگونه که خود نیز می‌گوید، همین دانشجو بوده است و تمامی بررسی‌ها و تحلیل‌هایش بر اساس گویش خود تحسین انجام گرفته است، که با توجه به آنچه گفته شد، یا مدت بسیار کمی در منطقه گویش مورد بررسی زندگی کرده یا اصلاً در آنجا نبوده است. درحالی‌که یک پژوهش خوب در هر حوزه زبان‌شناسی، پژوهشی است که در آن داده‌ها درست انتخاب شوند و موثق و قابل اعتماد باشند. برای این منظور باید از گویشوران واقعی استفاده کرد. گویشور واقعی باید فردی یک‌زبانه، بالغ و مسن و ترجیحاً بی‌سواد باشد و بیشتر عمر خود را در منطقه‌ای که گونه مورد بررسی در آن تکلم می‌شود گذرانده باشد تا حتی‌الامکان از تأثیر دیگر گونه‌ها در امان مانده باشد نه گویشوری جوان، تحصیل کرده، دوزبانه و دور از منطقه، آن گونه که شرح آن رفت.

بخش پایانی مقدمه را نقشه‌ای از مناطق هورامی‌نشین تشکیل می‌دهد که البته کامل نیست و تمام مناطقی را که گویشوران هورامی در آنها سکونت دارند، پوشش نمی‌دهد. در این قسمت به ۸ روستا اشاره می‌کند که با وجود اینکه در منطقه هورامان واقع شده‌اند ولی گویشور کرد هستند: هیروی (hirwe)، دریبر (daribar)، کومدره (komadara)، نجار (nijār)، شولخی (šawalxe)، نوریاب (nuriāw)، دوريسان (durisān) و دره‌بیان (darabayān). البته از این تعداد دریبر و شبلخی روستا و منطقه مسکونی نیستند.^۶

عنوان کتاب نیز دارای اشکالاتی است. در بخش اول عنوان به جای «اورامی» یا «هورامی» از «اورمن» استفاده کرده است، درحالی‌که در بخش دیگری از عنوان که داخل پرانتز آمده، هورامان به کار رفته است. «اورامان» یا «هورامان» نام منطقه و «اورامی» یا «هورامی» نام زبان گویشوران آن است. بخش داخل پرانتز عنوان که ساختی اضافه^۷ است طبیعتاً باید یا به زبان انگلیسی یا هورامی باشد ولی هیچ کدام نیست:

THE DIALECT OF AWROMAN (HAWRĀMĀN-Ī LUHŌN)

۶- نگارنده علاوه بر اینکه خود گویشور بومی زبان هورامی است، در مورد بسیاری از مطالب کتاب با گویشوران گویش مورد بررسی صحبت کرده است.

پیش از ورود به مطالب فصل‌ها لازم است به ایراداتی کلی که به این اثر وارد است، اشاره شود: اثر فاقد فهرست مطالب، ارجاع (درون‌متنی و پایانی یا فهرست منابع) و نیز فهرست و نمایه موضوعی است. توصیف نویسنده نیز به لحاظ توجه و اهمیتی که باید به بخش‌های مختلف کتاب داده شود، کامل و یک‌دست نیست. به عبارت دیگر، به جای آنکه توصیفی کامل، کلی و یکسان از جوانب مختلف گویش مورد بررسی باشد، در واقع بیشتر به توصیف ساختواژه و در حد کمتری از آن، به نظام آوایی اختصاص دارد. از این گذشته، از روش‌های علمی و نوین زبان‌شناسی نیز استفاده نشده که منجر به اشتباهات فاحشی گردیده است، از جمله اشتباه در نظام واجی (تعداد همخوان‌ها و واکه‌ها) که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

فصل اول کتاب به بررسی اجمالی نظام واجی و دو ویژگی زبرزنجیری گونه مذکور یعنی درنگ و تکیه می‌پردازد. نویسنده نظام واجی این گونه را شبیه نظام واجی گویش‌های کردی سلیمانیه و سنج و مشتمل بر ۲۶ همخوان (شامل دو نیم‌واکه) و ۱۰ واکه به شرح زیر می‌داند:

همخوان‌ها: p, b, t, d, č, ĵ, k, g, q, f, s, z, š, ž, x, h, ' , h, m, n, l, ł, r, ʀ, w, y

واکه‌ها: i, i, e, ε, a, ā, o, U, u

وی برای آوانگاری /ع/ از نماد /' / استفاده کرده است در حالی که نماد آن در الفبای آوانویسی بین‌المللی (IPA)، /ʕ / است. جای تعجب است که سه همخوان /b/, /v/ و /p/ را که در این گونه وجود دارند، به سادگی نادیده گرفته است ولی عملاً در آوانگاری داده‌ها از آن‌ها استفاده کرده است، به‌عنوان مثال: 'mašyufu مشغول' (ص ۱۹، قسمت a)، 'yariba بیگانه' (پایین ص ۲۷) (هر چند به جای نشانه /b/ از /v/ استفاده کرده است)؛ یا 'amra' (دستور، امر' (ص ۸۷ آخرین واژه)، 'āsmān' (آسمان' (ص ۸۸) (هر چند به جای /p/ از /' / استفاده کرده است). این واژه‌ها در گونه مزبور با /p/ آغاز می‌شوند. دلیل دیگری برای وجود واج /p/ این است که ساخت هجا در زبان هورامی در زیرساخت به صورت (C)(C)V(C)(C) است، بنابراین واژه‌هایی که در زیرساخت با واکه آغاز می‌شوند، بدون (C) آغازی هستند اما در روساخت در جایگاه آغازی آنها یک انسدادی چاکنایی [ʔ] درج می‌شود (کامبوزیا و سجادی، ۱۳۹۲: ۷۱ و ۷۴). به علاوه، وجود جفت‌های کمینه وجود این واج را تأیید می‌کنند، مانند: 'batfa' (در آنجا، ' batfa برو کنار، ' ʔagar اگر' و ' magar مگر' (مشترک بین زبان فارسی و هورامی). نویسنده به آوای /i/ اشاره می‌کند که وی آن را با نماد /d/ آوانگاری می‌کند و می‌افزاید که با

نزدیک‌شدن نوک زبان به دندان‌های بالا بدون تماس با آنها تولید می‌شود و واجگونه *d* است. این آوا در گونه مورد بررسی، علاوه بر *d*، واجگونه *t* نیز هست، آنگونه که وی خود اشاره می‌کند: *dizman-it* (ص ۲۵)، اگر چه برای آن از نماد *ʔ* استفاده کرده است. وی می‌نویسد که واج‌های *h* و *ʔ* اساساً در وام‌واژه‌های عربی می‌آیند. این درحالی است که در واژه‌های هورامی زیادی این واج‌ها حضور دارند مانند: *ʔaza* 'زود؛ زرنگ'، *haqaʔ* 'روسری'.

در مورد واکه‌ها، به نظر می‌رسد تعداد واکه‌های موجود در این گونه (۸ واکه) کمتر از تعدادی باشد که نویسنده آورده است (۱۰ واکه). دو واکه *e* و *u* در نظام واجی گونه مذکور وجود ندارند و به جای دومی واکه *ɔ* کاربرد دارد. به علاوه، به جای واکه *i*، واکه *ə* به کار می‌رود، آنگونه که در داده‌ها هم قابل مشاهده است: در واژه *kUʔ* 'پسر' (ص ۲۰)، *u* به صورت *ɔ*، و در *bilme/milme* اگر برویم/می‌رویم (ص ۴۵)، *i* به صورت *ə* ادا می‌شود. در واژه *niʃtɛnera* 'اگر می‌نشستم' (ص ۴۳)، *e* نیز دقیقاً مثل *e* تلفظ می‌شود. در صفحه ۱۰ به واکه‌های مرکب اشاره می‌کند در حالی که در جدول واکه‌ها هیچ واکه مرکبی دیده نمی‌شود، هر چند اساساً زبان هورامی فاقد واکه مرکب است (همان: ۵۷). در پایان همین صفحه می‌گوید که *ɔ* تنها یک نقش دارد: به جای *-(a)wa* پس از همخوان یا واکه‌های *i* و *u* می‌آید. در حالی که این واکه در جاهای دیگری غیر از این نیز ظاهر می‌شود مانند: *qɔʔ* جوش (آب)؛ *koʔ* 'کوتاه'، *koʔ* 'پسر'.

در آوانگاری برخی از آواها یک‌دستی وجود ندارد. به‌عنوان نمونه در جدول واکه‌ها دو واکه *a* و *ā* آمده است اما در سراسر کتاب به جای آنها به ترتیب از *a* و *ā* استفاده شده است. با این وصف، در گونه شهر نوسود ۳۷ واج (۲۹ همخوان و ۸ واکه ساده) وجود دارند نه ۳۶ واج (۲۶ همخوان و ۱۰ واکه).

فصل دوم کتاب که مفصل‌ترین بخش است، به توصیف ساختار واژه گونه مورد بررسی اختصاص دارد و به این موضوعات می‌پردازد: تصریف اسمی، معرفگی، ساخت اضافه (وصفی و اضافه‌ای)، رابطه بخشی، حالت ندایی، صفات (تفضیلی، عالی و صفاتی که قبل از اسم می‌آیند)، اعداد (اصلی و ترتیبی)، ضمائر (شخصی، اشاره، انعکاسی، ملکی و پرسشی)، پسوندها، افعال (رابطه بین ستاک‌ها، طبقه‌بندی ستاک‌ها، پیشوندهای فعلی، پیشوندهای وجهی و نفی، پایانه‌های شخصی، فعل ربطی، وجه وصفی مجهول، تقدم تکیه، تصریف فعلی باقاعده، تصریف‌های فعلی متغیر، تصریف فعلی بی‌قاعده، مجهول، فعل سببی، تصریف افعال مجهول و سببی، زمان‌های استمراری، زمان‌هایی که از ستاک‌های گذشته

افعال متعدی ساخته می‌شوند، افعال کمکی، افعال مرکب، پیش/پس اضافه‌ها و قیود. بیشتر تمرکز این فصل بر روی ساخت فعل است.

نویسنده در آغاز فصل به تصریف اسمی اشاره می‌کند و می‌نویسد که در تصریف اسامی و صفات تمایز دو شمار مفرد و جمع، دو جنس دستوری مذکر و مؤنث و دو حالت مستقیم و غیرمستقیم دیده می‌شود. در اسامی فاقد جنس زیستی و طبیعی، تمایز جنس دستوری اساساً به صورت واژه بستگی دارد. بنابراین اسامی‌ای که در صورت ساده خود به همخوان یا واکه‌های تکیه‌دار (-i, -o, -u) ختم می‌شوند مذکر بوده و آنهایی که به واکه‌های بدون تکیه (a- و i-) یا تکیه‌دار (-e) ختم می‌شوند، مؤنث هستند. بیشتر اسامی مختوم به واکه تکیه‌دار (-a) مذکرند اما تعدادی مؤنث هم در میان آنها دیده می‌شوند. وی در پانویشت صفحه ۱۳ می‌گوید که در مورد برخی از حیوانات جنس طبیعی با اسامی متفاوتی قابل تشخیص است مانند: tu'ta (مذکر) 'سگ'، data (مؤنث) 'سگ ماده'. در مورد حیوانات دیگر، همان اسم با جنس دستوری ثابت برای هر دو جنس طبیعی به کار می‌رود، مانند 'bəz'ta بزغاله'. در این مورد چندین نکته درخور توجه است: نکته اول این است که ادعای مکنزی دربارهٔ مذکور بودن تمام اسم‌های مختوم به همخوان، غیر از همخوان j صادق است چرا که بیشتر اسم‌های مختوم به این همخوان مؤنث هستند هر چند در میان آنها اسامی مذکر هم دیده می‌شود مانند: fəj 'چای'، waj آزار، اذیت. نکته دوم این است که اسم چه دارای جنس طبیعی باشد و چه نباشد، تشخیص جنس دستوری آن به صورت اسم یعنی آوای پایانی آن و جایگاه تکیه‌اش بستگی دارد. به عبارت دیگر، جنس طبیعی اسم نیز از روی صورت آن قابل تشخیص است و نیازی به دانستن معنی آن برای تشخیص جنسش نیست. اساساً در اسامی دارای جنس طبیعی، جنس دستوری نیز با آن مطابقت دارد، یعنی اسامی دارای جنس طبیعی مذکر دارای نشانگر صوری جنس دستوری مذکر هستند و برعکس. نکته سوم این است که ادعای وی در مورد اینکه در مورد حیوانات دیگر، همان اسم با جنس دستوری ثابت برای هر دو جنس طبیعی به کار می‌رود، نیز درست نمی‌نماید زیرا به عنوان مثال، بزغاله مؤنث، bəz'te نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد مکنزی در این مورد از دید سنتی به موضوع نگریسته باشد (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). وی در ادامه می‌افزاید که همه صفات، وصفی و اسنادی، غیر از صفاتی که قبل از اسم می‌آیند (مثل صفات اشاره 'a آن' و 'i این'، اعداد چه اصلی و چه ترتیبی، صفات عالی، برخی از صفات پرسشی و مبهم، صفت 'fra زیاد، خیلی'، صفت 'tar دیگر' و pas(n)a/famna چنین' و برخی از صفات عادی که قبل از اسم می‌آیند) در شمار، جنس و حالت با اسم مطابقت دارند.

علاوه بر این موارد استثنا که وی به آنها اشاره می‌کند، صفات عادی و ساده دیگری نیز وجود دارند که پس از اسم می‌آیند و در جنس دستوری مطابقت نشان نمی‌دهند مانند تعدادی از صفات مختوم به واکه تکیه‌دار (a-) غیر از صفات مفعولی^۹ مثل: 'zaza زرنگ؛ زود'، 'vərja آگاه، هوشیار'، 'zana دانا'. در واقع اینها صفات مشترک هستند به این معنی که هم با اسامی مذکر و هم مؤنث می‌آیند. برخی از صفات هم تنها با اسامی مذکر می‌آیند، مانند 'sa صاف'، که فقط با اسم مذکر 'hava هوا' می‌آید (همان: ۱۵۳).

در پانوشت صفحه ۱۳ می‌نویسد که تعداد کمی از اسم‌ها تنها به صورت جمع به کار می‌روند مانند: 'jile لباس'، 'qize مو'، 'simele سیبل'. این اسامی بیشتر به صورت جمع به کار می‌روند نه اینکه تنها به این صورت بیایند، در مواردی هم صورت مفرد آنها کاربرد دارد به ویژه در ساخت‌های مرکب، و به صورت‌های زیر ظاهر می‌شوند: 'qəz, dʒəl, smet' مثلاً در 'dʒəlfor(i)/ftaj لباسشویی/لباس شستن'، 'qəzdrez/kotl' مو دراز/کوتاه، 'rif u smet' ریش و سیبل و 'smetpan سیبل کلفت'. در صفحه ۲۱ می‌گوید که صفات عالی تنها قبل از اسم (به صورت وصفی) می‌آیند و با اسم در جنس دستوری مطابقت نشان نمی‌دهند، این درحالی است که این صفات به صورت اسنادی نیز به کار می‌روند و اگر پس از آنها اسم نیاید در جنس دستوری مطابقت نشان می‌دهند (همان: ۱۵۶) مانند:

1) ?a kəra ʃaltarin-a

مذکر است-مذکر بهترین مذکر پسر آن

2) ?a knaʃe ʃaltarina-na^{۱۰}

مؤنث است-مؤنث بهترین مؤنث دختر آن

در صفحه ۲۲ می‌نویسد که صفت 'fra زیاد، خیلی' هم قبل و هم بعد از اسم می‌آید. درحالی که تنها پس از اسم به کار می‌رود و مثالی که در مورد کاربرد آن قبل از اسم می‌دهد در گونه مورد بررسی‌اش به کار نمی‌رود. در همین صفحه اشاره می‌کند که 'pas(n)a/ʃamna چنین' پس از اسم می‌آید، درحالی که قبل از اسم نیز می‌آیند. اگر پس از اسم به کار روند در جنس و شمار با آن مطابقت دارند ولی اگر پیش از اسم بیایند مطابقت نشان نمی‌دهند. لازم است ذکر شود که 'pasa تنها در معنای قیدی به کار می‌رود.

۹- چون این صفات هم به واکه تکیه‌دار (a-) ختم می‌شوند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

۱۰- نشانگرهای جنس دستوری پرننگ نشان داده شده‌اند.

3) pasna /ʃamna kɔɾ-ew/knatʃe-va

مؤنث دختری / مذکر پسری مذکر چنین

4) kɔɾi pasna/ʃamna

مذکر چنین مذکر پسر

5) knatʃe pasne/ʃamne

مؤنث چنین مؤنث دختر

عدد اصلی (یک) در شمارش به صورت jva به کار می‌رود نه jak، آنگونه که در صفحه ۲۳ آمده است. جالب این است که خود نویسنده بلافاصله پس از معرفی اعداد اصلی (۱ تا ۱۰۰) در قسمت (a) به این نکته اشاره نموده است، با این حال در شمارش آن را رعایت نکرده است. در همین صفحه در قسمت (c) می‌گوید که وقتی اسم معرفه‌ای با اعداد ۲ یا ۳ توصیف شود با آن نوعی ترکیب باز تشکیل می‌دهد که کلاً به‌عنوان واحدی منفرد با آن رفتار می‌شود. باید گفت که این در مورد تمامی اعداد صادق است و خاص اعداد ۲ یا ۳ نیست. مثال سومی که وی در این قسمت به آن استناد می‌کند مانند مثال‌های اول و دوم وی در گونه مزبور کاربرد دارد نه به آن صورتی که وی آورده است یعنی: 'čuar zarolaŋ آن ۴ بچه را' درست است، نه a čuar zarola. وی در صفحه بعد به اعداد ترتیبی می‌پردازد و می‌نویسد که این اعداد با اضافه کردن پسوند (-am/-ham) به اعداد اصلی درست می‌شوند. در زبان هورامی و گونه مذکور این اعداد تنها با افزودن پسوند (-am) درست می‌شوند.

مکنزی در صفحه ۲۷ ضمایر مبهم hin (مذکر) و hina (مؤنث) را ضمیر ملکی در نظر گرفته است ولی در مثال‌هایی که آورده است از ضمیر ملکی به‌درستی استفاده کرده است یعنی 'hinu مال'. در پانوشته همین صفحه می‌نویسد که hin در این معنای معمول یعنی به‌عنوان ضمیر ملکی در گویش‌های کردی همجوار هم دیده می‌شود و در معنای گسترش‌یافته 'اسم او چیست؟' در گویش کردی سلیمانیه به کار می‌رود. لازم است ذکر شود که استفاده از این واژه در این معنای گسترش‌یافته مختص گویش یادشده نیست و در زبان هورامی هم کاربرد زیادی دارد (همان: ۱۴۶).

در صفحه ۳۸ قسمت ۷ و vi، صفحه ۳۹ قسمت vii و viii و صفحه ۴۰ قسمت ix و x افعال معادل 'دادن' و 'انجام دادن' به آن صورتی که آورده شده‌اند، به کار نمی‌روند بلکه همراه با پایانه‌های شخصی (-ta, -ma, -ət, əm- و -ʃa) به کار می‌روند؛ به علاوه، دارای نمود جنس دستوری نیستند چون متعدی هستند. در زمان‌های گذشته ساده، گذشته شرطی، حال کامل، ماضی التزامی، گذشته کامل و شرطی کامل تنها افعال لازم در وجه معلوم دارای تمایز جنس دستوری بوده و افعال متعدی در وجه مجهول

این تمایز را دارند (همان: ۱۶۹-۱۸۷).

در پانوشت صفحه ۵۴ می‌گوید که (‘ mabo bili نباید بروی’) ممکن است از کردی ترجمه قرضی شده باشد چون تنها مثال موجود است. باید توجه داشت که در زبان هورامی این ساخت و ساخت‌های مشابه با (mabo) کاربرد زیادی دارد و ربطی به کردی ندارد و (mabo) در واقع صورت منفی miš(i)o باید و ‘ ašie باید’ است که در همین صفحه به آنها اشاره کرده است.

در بخش ۴۵ صفحه ۵۷ در ترجمه انگلیسی اولین جمله، فعل ربطی ‘ is است’ را داخل پرانتز گذاشته است در صورتی که معادل هورامی آن، n- پایانی (čana-n) است یعنی آوردن is اختیاری نیست و باید حتماً بیاید.

در فصل سوم که کم‌حجم‌ترین فصل و تنها شامل دو صفحه است، به صورت گذرا به نحو (کاربرد زمان‌ها، جملات شرطی و بندهای موصولی) گونه مزبور اشاره کرده است.

در صفحه ۵۸، قسمت (b) معادل درست فعل dim، ‘ I see می‌بینم’ نیست، بلکه ‘ I saw دیدم’ است که در درون پرانتز قرار داده شده است. معادل درست فعل diem در صفحه ۵۹ قسمت (c)، ‘ I saw می‌دیدم’ است نه ‘ I had seen دیده بودم’. ‘ دیده بودم’ معادل فعل جمله دوم یعنی diabiem است. همچنین معادل درست ama čuar در آخرین مثال‌های صفحه ۵۹ ‘ he came in وارد شد’ است نه ‘ he has just come in تازه وارد شده است’.

فصول چهارم و پنجم که بیش از نیمی از حجم کتاب را تشکیل می‌دهند به ترتیب شامل متون (۱۶۲ جمله، ۶ ضرب‌المثل، چندین حکایت و داستان و ۸ بیت شعر همراه با ترجمه انگلیسی آنها) و واژه‌نامه (هورامی - انگلیسی و انگلیسی - هورامی و گورانی به ترتیب حروف الفبا) است.

پایان‌بخش کتاب، پیوستی یک صفحه‌ای است. مکنزی در این صفحه، ۱۰ واژه مربوط به قبل از میلاد را فهرست کرده است و می‌گوید که در ماه نوامبر سال ۱۹۶۴ با تحسین ملاقات کوتاهی داشته است و این فرصتی فراهم نموده که صورت‌های لهونی این واژه‌ها را بررسی کند.

در کل کتاب معادل واژه‌ها و جملات در زیر آنها و به صورت تکواژ به تکواژ داده نشده است که این سبب می‌شود درک معنی آنها و نیز ساخت گونه مورد بررسی برای خواننده مشکل شود. در پاره‌ای موارد نیز در آوانویسی داده‌ها و انتخاب معادل واژه‌ها و جملات اشتباهاتی رخ داده است یا معادل واژه‌ها و جملات ارائه نشده است، به عنوان نمونه:

- معادل جمله weš fara (ص ۲۷)، ‘ او لباس‌هایش را عوض کرد’ است نه ‘ او لباس مبدل پوشید’.

● جمله *paj češi mǫdǫaj*? (ص ۲۷)، بیشتر به معنی 'چرا نگاه می‌کنی؟' است نه 'به چه چیزی داری نگاه می‌کنی؟'، آن‌گونه که نویسنده می‌گوید. برای معنی مورد نظر نویسنده بیشتر از جمله *tamǫfaw* *ʔfǫfi kari*? استفاده می‌شود.

● جملات اول و دوم (ص ۱۸، قسمت a) دارای آن معنایی نیستند که نویسنده ارائه کرده است:

' *dagǫw pařu jana gawra* روستایی پر از خانه‌های بزرگ '

' *kařew pařu mařa wUčkla* کوهی پر از غارهای کوچک '

برای اینکه این جملات این معنا را برسانند باید با *pař dža* جایگزین شود. در این جملات *pařu* به معنی (به اندازه) است نه (پر از). به علاوه، واژه *dagǫw* باید دارای *a* پایانی باشد چون مؤنث است و تنها در این صورت به معنی 'روستایی' است.

● معادل واژه‌های ' *(e)staj* پیدا کردن' (ص ۲۹، قسمت d)، ' *rařtaj* سرمه کشیدن چشم' (ص ۳۰)، دومین گروه مثال‌های صفحه ۳۱، بخش ۲۴، مثال‌های صفحه ۳۳، قسمت c و واژه‌های صفحه ۹، قسمت b ارائه نشده است.

● در واژه ' *mařyulu* مشغول' (ص ۱۹، قسمت a)، به جای (l)، (t) به کار می‌رود.

● در آوانویسی واژه *awařoqnař* (ص ۴۹)، به جای q باید k باشد.

● پایانی اولین واژه جمله دوم (ص ۵۷، قسمت a) یعنی *hare* اضافی است و صورت درست آن *har* می‌باشد.

● معنی جمله شماره ۶ (ص ۶۰)، 'زود است' می‌باشد نه 'دیر است'.

● آخرین واژه جمله شماره ۹ (ص ۶۰)، باید *řa-na* باشد نه *řa-n* چون ' *řa* راه' مؤنث است.

● معنی جمله شماره ۲۹ (ص ۶۱)، 'مدتی است دستم را نبریده‌ام' است نه 'مدتی است دستم را بریده‌ام'.

● در جملات شماره ۳۸ و ۳۹ (ص ۶۱)، دومین *d* واژه (' *dudariakǫ* پنجره') حذف شده است.

● در جمله شماره ۴۳ (ص ۶۱)، *I* واژه اول جمله اضافی است.

● در جملات شماره ۴۳ و ۴۴ (ص ۶۱)، واژه *hUrst* باید به صورت *hUrest* باشد.

● در جمله شماره ۱۵۶ (ص ۶۴)، واژه ' *bo* بیا' باید جایگزین واژه ' *lua* برو' شود چون تنها در این صورت معنی جمله درست خواهد بود. به علاوه، در ترجمه انگلیسی آن باید واژه‌های *come*، *was/were* و *would see* به ترتیب جایگزین *am*، *go* و *shall see* شوند.

● پایان‌ی آخرین واژه جمله شماره ۱۵۸ (ص ۶۵) حذف شده است.

علیرغم ایرادات و اشکالاتی که بر این اثر وارد است، مطالب، تحلیل و بررسی‌های آن از دقت نظر بالای نویسنده در مقام یک زبان‌شناس حکایت دارد و همچنان راهنما و نقشه راه پژوهش‌های پس از خود بوده و خواهد بود.

منابع

سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). جنس دستوری در زبان هورامی. مریوان: شه‌وین.
کامبوزیا، عالیبه کرد زعفرانلو و سیدمهدی سجادی (۱۳۹۲). ساخت هجا در زبان هورامی (گویش هورامان تخت). مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، سال ۱، شماره ۲، ۵۷-۷۸.